

نقش پذیری کودک

د دل نوخاستگان همچون زمین دست نخورده‌ای است که هر بذری در آن د کاشته شود می‌پذیرد .
امیرمؤمنان علی (ع)

هسته بندی شخصیت و تشکیل خلق و خوی انسان تا سن شش سالگی تقریباً پایان می‌یابد و این سنین سالهای فوق العاده حساسی است

طرز ادای کلمات و جمله بندی را از محیط زندگی و بویژه از پدر و مادر فرا می‌گیرد ، از لحاظ تشکیل خوی و منش نیز تحت تاثیر محیط و بیشتر ، پدر و مادر است .

عقاید دینی و صفات اخلاقی نیز همراه عناصر دیگر محیط ؛ بر لوح ضمیر طفل نقش می‌بندند و از این حیث ، طفل در حقیقت کپی از محیط خانوادگی و بالاخره محیط اجتماعی است .

فرق نمی‌کند که محیط زندگی طفل این تاثیر را بطور ارادی در روحیه طفل بجا گذارد یا بطور

دهن کودک همچون لوحی است که می‌توان هر گونه نقش و نگاری در آن ایجاد کرد . نخستین اختیار چنین لوحی بدست پدر و مادر است ؛ والدین بطور دانسته یا ندانسته ، از خود آثار و نشانه‌هایی بر لوح ضمیر طفل ترسیم می‌کنند . هر گاه آنها بخاصیت نقش پذیری کودک و تأثیرات قطعی و مسام خود توجه داشته باشند و در زمینه مسائل تربیتی آگاهی بیشتری تحصیل کنند ، در این راه بنوفیقات بیشتری نائل می‌گردند .

همچنانکه کودک ، همراه رشد تدریجی خود ،

غیر ارادی .

منتهی اگر این تاثیر بطور ارادی باشد، می توان بادقتی بیشتر میان جنبه های مفید و مضر ، فرق گذاشت و آنچه که دارای امری منفی و مضر است ؛ کنارزد و جنبه های مفید و مثبت را بکار انداخت . مشروط بر اینکه اولیای طفل ، علاوه بر صلاحیت اخلاقی و معنوی ، واجد صلاحیت تربیتی نیز باشند . انتظار تربیت اینکه صحیح کودک ؛ در محیط مدرسه انجام گیرد و سرانجام در محیط دانشگاه تکمیل گردد ، امری بیهوده است . این محیطها ؛ بیشتر محیط تعلیم هستند نه تربیت . تازه اگر هم محیط تربیت باشند شالوده و زبر بنا ، تربیتهای خانوادگی است و هرگز نباید اصالت آنرا فراموش کرد . اصولا توجه باینکه تربیت در سالهای اولیه زندگی اصل است و تعلیم ، فرع . کاملا ضروری است . برتر اندر اسله در این باره می گوید :

« تشکیل خلق و خوی ، که تا حال محل توجه ما بود ، باید معالجه اساسی آن در سالهای نخستین انجام گردد و اگر درست عمل شود می باید تقریباً در سن شش سالگی اتمام یابد ، نمی خواهم بگویم که پس از آن سن ، دیگر خلق و خوی ، تباہ و فاسد نمیشود زیرا سنی وجود ندارد که بتواند از گزند اخلاقی و اضاع و احوال محیط ، محفوظ باشد ، بلکه می خواهم بگویم که پس از سن شش سالگی يك پسر یادختری که پرورش اولیه صحیحی پیدا

۱ - در تربیت صفحه (۲۴۳)

کرده است ، می باید دارای عادت و تمایلاتی شود که اگر از طرف محیطی که در آن زندگی می کند ، مراقبتی شود ، در جهت صحیحی هدایت گردد (۱) . اساس و پایه تربیت ؛ از نظر آیین مقدس اسلام ، از این هم دقیق تر است چه اسلام بر نامه تربیت را از روز ولادت و در دامن پر مهر مادر ، آغاز می کند . تشکیل شخصیت انسان از همان روزها مورد نظر و عنایت مخصوص اسلام است ، مگر نه این است که نخستین نغمه ای که پرده های گوش طفل مسلمان را باید بلرزش در آورد و اولین موجی که باید توسط اعصاب شنوائی او بمغزش منتقل شود ، موج اذان و اقامه است ؟ فرد مسلمان همواره بیاد عظمت و یگانگی خداست و گلبانك تكبير را در شبانه روزی چند بار می گوید و می شنود . اطفال مسلمان نیز نباید از این برنامه مستثنی باشند .

* * *

بدران و مادران شایسته ، بهترین آفرینندگان محیط خانوادگی مناسب و مساعد برای اطفال خود هستند . فرزندان آنها همچون آئینه های هستند که اوصاف پسندیده و فضائل ارزنده ایشان را در خود منعکس می کنند .

بر اساس همین قاعده است که علی (ع) در فرمان تاریخی خود بمالك اشتر چنین می فرماید :

« تو ، به آنان که از خانواده های شریف و خوشنامند و کسانی که دارای سابقه های خوب و درخشان هستند و جنگجویان و

زمامدار در خطاها و صوابهای اودارند ، بسیار مهم است . پس چه بهتر که زمامدار ، برای این منظور کسانی انتخاب کند که از خانواده‌های اصل بوده و با فضیلت و با تقوی ، پرورش یافته باشند .

این خود بهترین و پرارزشترین پاداش تشویق-آمیزی است که پدران و مادران شایسته طرفدار اهل بیت (ع) ، از طرف بزرگترین شاگرد مکتب اسلام ، دریافت می‌دارند . اگر بنا باشد دردنیای ما «پدر» یا «مادر شایسته» انتخاب شود و ملاک شایستگی ، نه کثرت اولاد باشد و نه پارامی از جنبه‌های مادی دیگر ایقیناً چنین پدران و مادران مقام مقدس «شایستگی» را احراز می‌کنند و بر این مسند پرافتخار؛ مورد غبطه جهانیان خواهند بود .

* * *

آیا بهتر این نیست که دنیای سرگردان، ما بجای این همه مدالها و جامها و نشانهایی که به قهرمانان دو بو کس و کشتی و... می‌دهد ، به پیروی از مکتب علی (ع) ، به تشویق و پاداش پدران و مادران و خانواده‌هایی دست بزنند که اثر وجودی آنها موجب رفاه و سعادت و هدایت اجتماع خواهد بود ؟!

نمی‌خواهم بگویم : مردم دنیا چنین کنند تا خانواده‌های شایسته ؛ در کار خود جدیت بیشتری بخرج دهند . یقیناً آنها که شایستگی دارند ، نیکی را بخاطر خود نیکی و نه بخاطر مزد پاداش انجام می‌دهند و هرگز چشمداشتی برای گرفتن پاداش و مزد ندارند . اگر هم انتظار پاداش دارند ، پاداش خود را از

دلیران و بخشندگان و جوانمردان ، نزدیک شو، زیرا آنها مجموعه بزرگوار و شاخه هایی از درخت تنومند نیکی و فضیلت هستند» (۱)

در این گفتار جاودانی ، بمسأله محیط سالم خانوادگی ، اهمیت بسیار داده شده است . تا آنجا که زمامدار و رهبر يك مملکت آنها هم فردی که به نمایندگی علی بن ابیطالب ، بحکومت کشور باستانی و کهنسال مصر فرستاده می شود ، فرمان می‌یابد که ارتباطش با افرادی که در چنین محیط‌هایی پرورش یافته‌اند ، هرگز قطع نشود و از وجود آنها در پست مهم رهبری مملکت، بطور کامل بهره‌مند گردد .

تردید نیست که زمامدار يك مملکت در پست حساس زمامداری ، در شرائطی قرار گرفته است که کارها و نقشها و تسمیات او با سرنوشت يك مملکت بستگی دارد . اشتباهات و کج رویهای او با اشتباهات و کج رویهای مردم عادی کاملاً تفاوت دارد .

علی (ع) فرمود : «سَبْعَ أَكْوَالٍ ظَلُومٍ خَيْرٌ مِنْ وَالٍ ظَلُومٍ غَشُومٍ» (۲)

یعنی : «دو ندهای که حیوانات ضعیف را پاره پاره کرده، می‌خورد، از حکمران ستمکار و متجاوز ، بهتر است» .

خطای او برای ملت ، بس گران و مفسده انگیز و صواب او برای مملکت ، پرارزش و مصلحت آمیز است . نقشی که مشاوران و خواص و همشعنان

آن مبدئی انتظار دارند که خیر محض است و هر روان وظیفه شناس را از نظر دور نمی‌دارد .

وانگهی مگر کسانی که در راه شایستگی قدم نهاده‌اند و از پرورش نسلی شایسته بهره‌مندی نبرده‌اند چه سودی جز زیان و ندامت و حسرت ، عایدشان شده است که دیگران نبرده‌اند؟! . علی (ع) در این باره چنین می‌فرماید : **« دشر الاولاد ؛ العاقب (۱) »** یعنی : بدترین فرزندان ، آنهایی هستند که در برابر پدران و مادران بنا فرمائی و بی احترامی و عدم رعایت حال ایشان ، پیردازند ، یقیناً پدر و مادری که پس از سالها رنج و زحمت ، محصول وجود خود را همچون خاری در چشم خود احساس می‌کنند و هیچ نفعی از ناحیه او نمی‌برند ؛ آرزو می‌کنند که چنین شری از اول دامنگیرشان نمی‌شد . پس در هر حال ، همان خانواده‌هایی سودمی برند و پاداش خود را در درجه اول از دست فرزندان خود می‌گیرند ، که در راه شایستگی قدم گذاشته و برای تربیت فرزندان از تمام امکانات خود استفاده کرده‌اند .

نخستین اساس تشکیل يك منش خوب و شایسته ، تقویت روح ایمان و اعتماد به « خدا » در وجود

کودکان است . تقویت روح ایمان و اعتماد به « خدا » نیز مثل سایر جنبه های دیگر زندگی ما تمرین و ممارست لازم دارد .

بهترین است که همراه پرورش جسم و جان کودک او را در مسیری قرار دهیم که همانطوری که مثلاً زبان مادری را می‌آموزد و چنان بان عادت می‌کند که ترك آن برایش محال یا مشکلی بزرگ خواهد بود ، به بر نامه‌های دینی و توجه به « خدا » نیز این چنین خویگر شود و « خدا » را بعنوان خالق مهربان و دوستی واقعی و مددکار در همه حال مورد توجه قرار دهد ، بطوری که « **اعضای وجودش همگی** » متوجه آن دوست مهربان باشد .

بنظر همین پایه گذاری بسیار مهم است که علی (ع) فرمود : **« عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ الصَّلَاةَ وَخُذُوهُمْ بِهَا إِذَا بَلَغُوا » (۱)** یعنی : « آداب نماز گزاری را بفرزندان خود بیاموزید و هنگامی که بالغ شدند ، آنها را در برابر نماز ، مورد مؤاخذة قرار دهید » .

در اینبنابه از پیشوایان بزرگ اسلام ، دستورهای مشابه آن و حتی جامتر و کاملتر فراوان داریم . برای اینکه این بحث را کامل روشن کنیم ؛ باز هم در این زمینه با خوانندگان گرامی گفتگو خواهیم کرد .

۱ - غرر الحکم صفحه ۱۹۶

۱ - غرر الحکم صفحه ۲۳۰

خداوند! بتو منسوبم مرا از خود دور مگردان و

بدر گاهت ایستاده‌ام طردم مفرما

کسیکه ترا از دست داد، چه بدست آورد؟ و کسیکه ترا

پیدا کرد چه از دست داده‌است؟

از نیایش حسین (ع) در بیابان عرفات